

## گامهای جسورانه برای حل معزل بیکاری جوانان

در جهان امروز، «رقابت سالم» در تمامی زمینه‌ها حریف اول را میزند. در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، علمی، هنری، ورزشی و ... فقط رقابت سالم است که از سویی ارزشها را تعیین می‌کند و از سوی دیگر به رشد و توسعه و پیشرفت دامن می‌زند و رکوردهای تازه‌ای می‌آفریند. طبیعتاً، حذف رقابت یا تقلب در رقابت حتی در پوشش قانون جز به ایجاد نفاق و دشمنی و عصبیت و کشمکش بین افراد و گروهها، و در نتیجه عقب افتادن از قافله تمدن بشری، فایده دیگری ندارد. متأسفانه در ایران امروز انحصاری بودن ثروت و قدرت در مشت حاکمیت و رقابتی نبودن این دو از سویی منجر به گسترش فساد و زورگویی و رانت‌خواری در جامعه شده و از سویی دیگر به معزل بیکاری، رکورد و تورم دامن زده و، از همه مهمتر، اصل «رقابت سالم» را به مرحله محال و صفر مطلق رسانده است. زیرا در امور سیاسی، قدرت تماماً در دست روحانیت است و در امور اقتصادی نیز بدست حاکمیت روحانی و یا وابستگان به آن.

جامعه امروز ایران که در زمانی کوتاه‌تر از عمر یک نسل با صددرصد افزایش جمعیت روبرو شده، یا باید به نبرد برای بقا متوسل شود و یا رقابت سالم و کثرت‌گرایی در تمامی عرصه‌ها را انتخاب کند. زیرا هر قدر تعداد افرادی که میخواهند با یکدیگر زندگی کنند بیشتر باشد، نبرد برای بقا شدیدتر می‌شود و فقط «رقابت سالم» میتواند راه حل مسالمت‌جویانه «تنازع بقا» باشد، یعنی به جای آنکه برخی افراد، چنانچه در قلمرو حیوانی مشاهده می‌شود، برای بقا برخی دیگر را از بین می‌برند. رقابت معقول اجتماعی در تمامی سطوح جامعه امکان بقای تعداد زیادی از افراد را از طریق ایجاد تعایز معقول و منطقی فراهم میکند. امروز همه میدانند بهترین و کم هزینه‌ترین شیوه اداره یک کشور «مردمسالاری و دموکراسی» است که میتواند زمینه آفرینش و خلافت را فراهم کند، و توسعه اقتصادی بدون آفرینش محال مینماید. همه ادیان نیز برای خداوند یک صفت اصلی قائلند که آن «آفرینش» است. دمیدن روح خدا در انسان و جانسپین شدن او در زمین نیز مفهوم همین خلافت انسان یعنی این صفت مشترک بین انسان و خداست که کلیه تحولات و پیشرفت و ترقی جامعه انسانی را باید موهون این نعمت الهی یعنی آفرینش و نوآوری آگاهانه جستجو کرد. البته چون طعم قدرت مانع از انجام وظایف اصلی روحانیت در جامعه ما شده، یادآوری وجود این رابطه مشترک بین انسان و خداوند هم بعهد قلم نگارنده مینماید تا اشخاص چون امام جمعه آرمیه اصل تمدن را به سخره بگیرند و به آشخور آن عنایت داشته باشند.

بیکاری دردناک جوانان ایران فقط یکی از تبعات اقتصاد بیمار ایرانست که تورم، کساد و افت کمی و کیفی تولید را باید بر آن افزود. هم اینک مراحل مقدماتی این بیماری طی شده و به بروز عواقب گریه‌ی همچون گسترش فقر، گرسنگی، بدبختی، فحشا و سرانجام، جنگ خواهد انجامید. در آلمان همین بیماری اقتصادی بود که دولت آدولف هیتلر را بر آریکه قدرت نشاند و راه را برای جنگ دوم جهانی هموار کرد. در چین نیز همین سیاستهای غلط پولی بود که تورم لحام گسیخته‌های را بدنبال داشت تورمی که سرانجام کار چیانگ‌کایچک را یکسره کرد و کمونیستها را بقدرت رسانید.

در ایران انجام اقداماتی نظیر: ۱- اصلاح نظام آموزشی هدفدار و حرفه آموز نمودن آن ۲- کاهش خریدهای خارجی دولت ۳- تبدیل شیوه فعلی تولید (نظام جایگزین واردات) به استراتژی کلان توسعه صادرات میتواند در کاهش حجم عظیم بیکاری تا حدودی موثر باشد.

اما برای عقلانی کردن اقتصاد بیمار کشور یک رنسانس سیاسی، فرهنگی، صنعتی، کشاورزی و در همه زمینه‌ها نیازمندیم تا به امید خدا مرحله خیزش اقتصادی را پشت سر بگذاریم.

چین چه کرد؟ چین کمتر از ۸ درصد زمینهای کشاورزی جهان را در اختیار دارد و برای ۲۲٪ آزر جمعیت جهان غذا تدارک میبندد. امروز با اصلاحات انجام شده در بخش ایده نولوژیک، سیاسی و اقتصادی، نظام کمون کاملاً آزر بین رفته و نظام مسئولیت مبتنی بر خانواده جانشین کمونهای اشتراکی شده و کشاورزان آزادانه بر مبنای الگوهای کشت منطبق با فرصتهای موجود در بازار آزاد تشویق میشوند. اقتصاد چین در برابر همین اصلاحات انجام شده شدیداً عکس العمل نشان داده و در اغلب سالها میزان رشد اقتصادی بالاتر از ۱۰٪ است، که نه تنها پاسخگوی مصرف داخلی بوده بلکه امکان صادرات را نیز فراهم آورده است. محصول بخش صنعت نیز سالانه ۱۲/۵٪ رشد کرده است. تولید و صادرات این کشور فقط بدلیل آزادیهای اعطاء شده، حالت رقابتی بخود گرفته و دقیقاً بخلاف ایران هیچ گزارشی آزر خریدهای کلان خارجی توسط دولت یا نهادها که به رقابت سالم صدمه می‌زند مشاهده نشد، و در حالیکه بخشهای تولیدی این کشور اصلاحات سرگرم و تغییر بود، دولت به کوشش خود برای کاهش فقر ادامه داد، بطوریکه امید به زندگی که در سال ۱۹۵۵ سی و نه سال برآورد شده بود، اینک به بیش از ۷۰ سال افزایش یافته. در سال ۱۹۸۶ دولت چین قانون آموزش ۹ ساله اجباری را برای تربیت نیروی انسانی ماهر تصویب و بمورد اجرا گذاشت. چین برای ایجاد درآمدهای مورد نیاز بیشتر به درآمدهای صادراتی متکی است تا استقراض خارجی. رشد اقتصادی چین توانسته تنگناهای بیکاری را حل کند، مشکلات مربوط به ترابری، ارتباطات و کمبود برق نیز پائینای سایر بخشها حل شده است. در سال ۱۹۸۰ برنامه ریزان چینی هدف ۴ برابر کردن محصولات کشاورزی و صنعتی کشور را تا پایان قرن بیستم تعیین کردند و کشور چین تا بحال به هدف تعیین شده رسیده است. تشکیل سرمایه ناشی از تشویق پس اندازهای داخلی، بهبود شیوههای بهره‌وری، انضباط مالی در تمامی سطوح دولت، مهار توسعه بخش پولی اقتصاد، تمرکز زدایی از تصمیم‌گیری اقتصادی، قدرت حکومتهای محلی در خصوص عرضه مواد خام، واگذاری قدرت به سطوح پایین‌تر جامعه و صرفنظر کردن دولت از برخی درآمدها، انتقال تصمیم‌گیری اقتصادی از وزارتخانه‌ها ابوابت مرکزی به ادارات ایالات و شوراهای محلی باعث شد که دورترین مناطق روستایی تحت تاثیر اصلاحات پیشرفت کرده‌اند و بندرت بخشهایی از اقتصاد را میتوان سراغ گرفت که تحت تاثیر سیاستهای آزادسازی قرار نگرفته باشد. بخش کشاورزی این کشور ۲۰٪ محصول ناخالص داخلی را تشکیل میدهد و بیش از دو سوم نیروی کار از در استخدام خود دارد. بخش کشاورزی چین قدیمی‌ترین نظام کشاورزی موجود در جهان است و نسبت به بخش کشاورزی سایر کشورهای جهان از روشهای عمقی بیشتری برای دسترسی به آب استفاده می‌کنند و این امر از طریقی شبکه پیچیده آبیاری و بهره‌وری از تکنولوژیهای جدید امکان پذیر شده است.

آیا برنامه ریزان مسئول دستگاه حکومت کوشیده‌اند تا بحال به این راهکارها هیچ توجهی نکنند؟

### تفسیر دمکراتیک از قانون اساسی

علیرضا علوی تبار از اصلاح‌طلبانی است که به عضویت جبهه مشارکت درآمده تا از مزایای قانونی (۱) آن بهره‌مند شود. از این رو حرفهایی را به زبان می‌آورد که دیگران در بیان آن احتیاط می‌کنند او در مصاحبه با روزنامه حیات (۲۷ و ۲۸ مرداد) دیدگاههای خود را درباره جنبش اصلاحات بیان کرده است. از جمله او خود را معتقد به تفسیر دموکراتیک از قانون اساسی می‌داند، بدون اینکه به این نکته اشاره کند که تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است، که هرگز آن را برخلاف دیدگاههای خود تفسیر نخواهد کرد. شاید علوی تبار این پیشنهاد را براساس تجربیات خود از تفسیرهای مختلف و متعدد که از قوانین اسلامی صورت گرفته‌اند، مطرح کرده است. در حالیکه در مورد قوانین مذهبی آن هم در فروغ دین، محتهد حق دارد تفسیر خود را بیان کند. گروه ویژه تنظیم‌کنندگان قانون اساسی، یک نهاد واحد و با افراد مشخص را مرجع تفسیر قانون قرار داده است! علوی تبار در قسمت دیگری از مصاحبه خود، از جناح مقابل اصلاحات چنین یاد می‌کند: «ما اوایل تنها چند پیش فرض از جناح محافظه‌کار داشتیم. قبلاً تصور شخصی من [علوی تبار] از جناح مذکور این بود که آنها متدین هستند و مسأله دین بر ایشان خیلی جدی است و در جایی که حیات دین در خطر باشد، آنها رفتارهایشان را عوض خواهند کرد. یا اینکه تصور می‌کردم که آنها دلبستگی خاصی به [حکومت] جمهوری اسلامی دارند و اگر احساس کنند که خط مشی‌هایشان منجر به فرو پاشی جمهوری اسلامی می‌شود، در صورت لزوم تغییر جهت خواهند داد. اما امروز چنین ذهنیتی نسبت به آنها ندارم و حتی اعتقاد دارم که آنها اگر احساس کنند از خدمت حذف می‌شوند، اگر در توانشان باشد تا فروپاشی [نظام] نیز پیش می‌روند.»

علوی تبار در مصاحبه خود در پاسخ جابجایی قدرت با جابجایی افراد می‌گوید که هماهنگی افراد با مرکز قدرت در این امر تعیین کننده است. وی با اشاره به شرایط آقای هاشمی رفسنجانی در اواخر دوره دوم ریاست جمهوری‌اش می‌گوید: «روزهای سالهای آخر دوران ریاست جمهوری آقای هاشمی، ایشان هر لحظه منتظر بود که با خودش و فرزندانش برخورد کنند که هنوز هم این احتمال منتفی نیست و این شمشیر همچنان بالای سر ایشان تا آخر خواهد بود که هرگاه اداره کنند، می‌توانند آن را بیرون بکشند.»

البته آقای علوی تبار نمی‌گوید چه کسانی می‌توانند حتی بالای سر آقای هاشمی شمشیر تکه دارند!

### محکومیت و بازداشت دکتر ناصر زرافشان وکیل مدافع قربانیان

#### قتلهای سیاسی و زنجیرهای

وکیل مدافع خانواده قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای، دکتر ناصر زرافشان، عصر چهارشنبه سرداد هنگام خروج آزر خانه خود بازداشت و روانه زندان شد. این بازداشت آغازی است بر محکومیت پنج سال زندان و پنجاه ضربه شلاق برای این وکیل مدافع.

محکومیت عدلهای آزر وکلای مدافع پرونده‌های ملی - سیاسی و مطبوعاتی در چند هفته اخیر شدت یافته و آراء سنگینی آزر جانب محاکم دادگستری تا بر خلاف ماده ۱۸ قانون استقلال کانون وکلای دادگستری که محرومیت آزر شغل وکالت را در صلاحیت دادگاه انتظامی کانون وکلای قرار داده صادر شده است.

پرونده اتهامی دکتر زرافشان عضو کمیته دفاع آزر حقوق قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای با تشدید حساسیت افکار عمومی نسبت به اراده حاکم بر این پرونده ملی در پائیز ۷۹، و بعد آزر صدور بیانیه ریاست قوه قضائیه، تشکیل شد. بیانیه بطور اجمال می‌گوید هر کس درباره پرونده قتل‌های زنجیره‌ای بحث و تحلیل کند، مورد تعقیب واقع می‌شود!

#### انهدام مجسمه‌ها برای مقابله با ضد انقلاب!

پس از آنکه چند مجسمه، از جمله مجسمه مهر صادری، شبانه در اصفهان به آتش کشیده شد، در پاسخ اعتراضات گسترده انهدام شد. شخصیت‌ها و مقامات فرهنگی، آیت الله احمد جنتی، دبیر شورای نگهبان و امام جمعه موقت تهران، در مورد تخریب مجسمه گناه آهنگر، نماد مبارزه ضداستبدادی و اسطوره بزرگ ملت ایران در اصفهان اظهار داشت: اگر این مجسمه خراب نشود در آینده پایگاه ضدانقلاب خواهد شد.

اگر وزارت کشور و نیروی انتظامی به این اقدامات طالبانی گونه با قدرت پاسبان نبخشند و گروههای حمایت شده‌ای را که دست به چنین اعمال ننگینی می‌زنند دستگیر و به مجازات نرسانند باید در انتظار رویدادهای تلخ و شرم‌آور دیگری بود.